

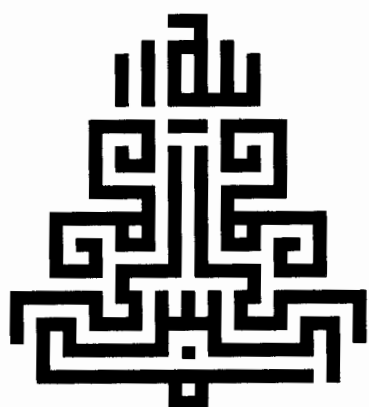
# قرصا بن لوقا

فرق بین روح و نفس

تحقیق و ترجمه:

هلم زاهدی







[www.molapub.com](http://www.molapub.com)



[molapub](https://www.instagram.com/molapub)



<https://t.me/molapub>

# قلاصل ابن لوقا

فرق بین روح و نفس

تحقیق و ترجمه:

بهرام زاهدی



انتشارات مولی

سرشناسه: قسطا بن لوقا، - ۹۳۰۰ ق

عنوان قراردادی: رساله فی الفرق بین الروح و النفس فارسی

عنوان و نام پدیدآور: فرق بین روح و نفس / قسطا بن لوقا، تحقیق و ترجمه بهرام زاهدی.

مشخصات نشر: تهران: مولی، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: [۲]، ۱۴۲ ص: نمونه: ۱۴۵×۲۱/۵ سم.

شابک: 978-600-339-028-7

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص: ۱۳۷.

موضوع: روح -- متون قدیمی تا ۱۸۰۰ م.

موضوع: Soul -- Early works to 1800

شناسه افزوده: زاهدی، بهرام، ۱۳۶۵ -، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۰۴۱ ۱۳۹۶/۰۴۱ BD۴۲۰

رده بندی دیویی: ۱۲۸/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۳۵۱۳۳



انتشارات مولی

تهران: خیابان انقلاب-چهارراه ابوریحان-شماره ۱۱۵۸، تلفن: ۶۶۴۰۹۲۴۳-۶۶۴۰۰۷۹-نمابر: ۶۶۴۰۰۰۷۹

وبسایت: www.molapub.com • اینستاگرام: molapub • تلگرام: molapub • ایمیل: molapub@yahoo.com

فرق بین روح و نفس • قسطا بن لوقا

تحقیق و ترجمه: بهرام زاهدی

چاپ اول: ۱۳۹۶=۱۴۳۸ • ۵۲۰ نسخه • ۲۳۳/۱  
۹۶

شابک: ۷-۲۸-۰۳۳۹-۶۰۰-۹۷۸ ISBN: 978-600-339-028-7

خوشنویسی: استاد حمید عجمی

حروفنگاری: بروجردی • لیتوگرافی و چاپ: ایران مصور • صحافی: نوری

کلیه حقوق مربوط به این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات مولی است



انتشارات مولی

۲۵۰۰۰۰ ریال

## فهرست مطالب

|                                                       |     |
|-------------------------------------------------------|-----|
| مقدمه .....                                           | ۱   |
| در اهمیت مسأله نفس و روح .....                        | ۴   |
| چگونگی آشنا شدن با دانشمندی به نام قسطا بن لوقا ..... | ۳۲  |
| قسطا بن لوقا در منابع کلاسیک .....                    | ۳۴  |
| ردیابی برخی آثار به جای مانده از قسطا بن لوقا .....   | ۴۵  |
| قسطا بن لوقا با کدام خلفای عباسی معاصر بوده است ..... | ۶۷  |
| نکاتی درباره یوحنا اسپانی .....                       | ۷۰  |
| کتاب الفرق بین الروح و النفس .....                    | ۷۵  |
| جایگاه این کتاب در تاریخ فلسفه .....                  | ۷۵  |
| اشاره‌ای به محتوای کتاب الفرق بین الروح و النفس ..... | ۸۰  |
| متن کتاب الفرق بین الروح و النفس .....                | ۸۴  |
| ترجمه فارسی کتاب الفرق بین الروح و النفس .....        | ۱۰۱ |
| تصویر نسخه خطی کتاب الفرق بین الروح و النفس .....     | ۱۲۳ |
| فهرست منابع .....                                     | ۱۳۷ |

هرکسی چیزی همی گوید ز تیره رای خویش  
تا گمان آید که او قسطای بن لوقاستی  
ناصر خسرو قبادیانی

مقدمه

یکی از مؤلفین و مترجمین مهم و کمتر شناخته شده موسسه بیت‌الحکمه در بغداد عصر عباسی، شخصی است از مسیحیان فرقه ملکیت<sup>۱</sup> به نام «قسطابن لوقا». او که از چهره‌های علمی پرکار سده سوم هجری است با تراجم و تألیفات گسترده خود، نقش مهمی در انتقال دانش یونانی به محیط

۱. در ابتدای بخش ۳ - الف در باره چگونگی پیدایش این گروه در قرن پنجم میلادی و جایگاه تاریخی آنان توضیح داده‌ام. در اینجا نیز اشاره‌ای می‌کنم به افکار و عقائد این شاخه از مسیحیت:

«اصحاب ملکا که در روم ظاهر شد و بر روم مستولی شد و بیشتر روم ملکائیه اند و گفتند چون کلمه به جسد مسیح (ع) متحد گشت، به ناسوت او متدرع گشت و مراد ایشان به کلمه (اقتنوم) علم است و به روح القدس اقتنوم حیوة و علم پیشتر از آنکه متدرع شود، به مسیح ابن نگویند و بعضی از این طائفه گویند کلمه ممازج مسیح (ع) گشت چنانچه خمر، ممازج شیر یا آب که ممازج شیر شود و این طائفه تصریح کرده‌اند که جوهر غیر اقلانیم است و اثبات کردن جوهر ایشان را مانند موصوف و صفت است و از این تخییل که نموده‌اند به اثبات تثلیث قائل شده‌اند... و ملکائیه گویند مسیح ناسوت کلی است نه جزوی و قدیم ازلی است و از مریم متولد شد الهی ازلی و قتل و سب، بر ناسوت است و بر لاهوت نه.» (شهرستانی: ۱۳۵۰: ۱۷۳-۱۷۲). ترجمه فارسی متن شهرستانی از افضل الدین صدر ترکه اصفهانی، عالم و عارف اصفهانی از خاندان بزرگ ابن ترکه یا آل خجند در قرن نهم هجری است. گفتنی است شهرستانی اعتقادات یعقوبی‌ها (مونوفیزیت‌ها) و نسطوری‌ها را نیز به عنوان دو گروه مهم دیگر مسیحیان مورد بررسی قرار داده است.

اسلامی ایفا کرد و بدین جهت می‌توان وی را در زمره کسانی شمرد که مقدمات بالندگی بیشتر مباحث اندیشگانی و علمی را در سده چهارم هجری؛ یعنی اوج عصر تمدن اسلامی؛ پدید آوردند. وی در عصر خود و اعصار نزدیک به آن از شهرت زیادی برخوردار بوده است و این را می‌توان از دایرةالمعارف‌های مربوط به آن دوره به ویژه از توضیحات ابن ندیم در «الفهرست» اش، دریافت. قسطنطین در زمره کسانی است که گاهی اوقات در ادبیات فارسی از آنها به عنوان نمادی از علم و دانایی یاد می‌شده است؛ همانند بیت بالا از ناصر خسرو قبادیانی و یا ابیاتی از خاقانی و دقیقی که در ادامه بدان‌ها اشاره خواهد شد.

یکی از کتب مهم و شاید مهم‌ترین کتاب تألیفی وی کتابی است با نام «کتاب الفرق بین الروح والنفس و قوی النفس و ماهیة النفس» که از یک سوی درهم تنیدگی علوم فلسفی و پزشکی در آن زمانه را نشان می‌دهد و از دیگر سوی توضیح مناسبی درباره نحوه ارتباط میان نفس و بدن ارائه می‌دهد و همین توضیح در درک نظام فکری بسیاری از فلاسفه مسلمان که پس از وی زیسته‌اند، یاری دهنده است. همچنین این کتاب می‌تواند در تنقیح تعریف دو مفهوم روح و نفس نزد قدما و کاربرد مختلف و همواره پرشش‌برانگیز این واژگان، مؤثر واقع شود.

حسب تحقیقات ما، پنج نسخه خطی از این کتاب در استانبول، گوتا، برلین، قدس و قازان باقی مانده است. نسخه خطی استانبول که تاریخ استنساخ آن به گواهی خود نسخه، سال ۳۴۹ هجری قمری است؛ در کتابخانه احمد سوم در کاخ توپقایی سرای نگهداری می‌شود. محقق و پژوهشگر اهل ترکیه، حلمی ضیاء اولکن (۱۹۷۴-۱۹۰۱) Hilmi Ziya Ülken این کتاب را

به همراه برخی از رسائل ابن سینا در سال ۱۹۵۳ در «مطبعة ابراهیم خروز» به زیور طبع آراسته است<sup>۱</sup> که چندین نسخه از این مجموعه در کتابخانه‌های کشور نگهداری می‌شود. (شرح دقیق آنها در بخش سوم خواهد آمد.) ما در تحقیق حاضر برای اولین بار اقدام به ترجمه فارسی این کتاب می‌نماییم و ضمناً باید اشاره کرد که با توجه به اغلاط موجود در تصحیح پیشین، به تصحیح مجدد متن، (بر اساس عکس نسخه خطی که در چاپ ۱۹۵۳ موجود است و همچنین دانسته‌های پیشینی)، مبادرت ورزیده‌ایم.<sup>۲</sup>

شایان ذکر است که ترجمه «کتاب الفرق بین الروح والنفس» قسطا بن لوقا

۱. ج. ۱. عیون الحکمة و یشتمل علی ثلاثة فنون المنطقیات والطبیعیات والالهیات - رسالة ابوالفرج عبدالله بن الطیب، القوى الطبیعیة فهی الجاذبة والماسكة والهاضمة والدافعة و انها قوة واحدة - رسالة فی الرد الی الشیخ ابوالفرج بن الطیب فی الطب لابن سینا - ج. ۲. جواب ست عشر مسئله لابی ریحان - اجوبة مسائل سأل عنها ابوریحان - مکاتبة لابی علی بن سینا - رسالة فی ابطال احکام النجوم - مسائل عن احوال الروح (الجواب لابن مسکویه) - رسالة الی ابی عبید الجوزجانی فی امر النفس - رسالة فی جواب المسائل - رسالة اجوبة عن عشر مسائل - کتاب الفرق بین الروح والنفس، (همراه با متن عکسی) / تألیف قسطا بن لوقا - رسالة النفس و بقائها و معادها - الجواب لبعض المتکلمین.

۲. اکنون که مشغول ملاحظه نسخه مقدماتی کتاب (که توسط انتشارات محترم مولی تهیه شده) هستیم متوجه شده‌ام که در سال ۱۳۷۱ هجری شمسی، متن عربی کتاب الفرق بین النفس والروح در کتاب «عیون مسائل النفس و سرح العیون فی شرح العیون» تألیف حضرت آیت... حسن زاده آملی منتشر شده است. در کتاب مذکور - که توسط انتشارات امیرکبیر چاپ شده است و بعدها نیز بوستان کتاب قم آن را تجدید چاپ کرده است - آیت... حسن زاده آملی به همان نسخه ۱۹۵۳ استانبول نگریسته‌اند و رساله قسطا را در عین یازدهم از ۶۶ عین کتاب درج کرده‌اند. ترجمه‌ای از این کتاب نیز با نام «عیون مسائل نفس و شرح آن در شصت و شش موضوع روان‌شناسی» توسط دو انتشارات قیام و بکاء در قم منتشر شده است. ما در کتاب حاضر تلاش کرده‌ایم تا با تمرکز بیشتر بر رساله مورد بررسی و نقش آن در تاریخ فلسفه اسلامی و همچنین کارنامه علمی قسطا بن لوقا، در ادامه راه محققان پیشین قدمی رو به جلو برداریم. زاهدی

در قرن دوازده میلادی در مکتب ترجمه طلیطله Toledo School of Translators توسط یوحنا اسپانی JOHANNES HISPALENSIS (سال‌های فعالیت: ۱۱۵۳-۱۱۳۵ میلادی) به نام De differentia nimaie spiritus et a ترجمه شد و تا به امروز نیز این کتاب و سایر آثار قسطا در فضای فکری مغرب زمین، محل توجه پژوهشگران بوده است.

در بخش دوم این کتاب به برخی از جنبه‌های مسأله تفاوت میان کاربرد واژگان نفس و روح اشاره می‌کنیم. سپس در بخش سوم، زندگی نامه‌ای از قسطا بن لوقا بر اساس منابعی همچون الفهرست ابن ندیم، عیون الانباء فی طبقات الاطباء ابن ابی اصیبعه و اخبار العلماء باخبر الحکماء قفطی و ... ارائه داده و کتب تألیف و ترجمه او را در کتابخانه‌های مختلف جهان ردیابی می‌کنیم و در انتها در بخش چهارم به خود کتاب الفرق بین الروح و النفس پرداخته و ترجمه و تصحیح مجدد آن را همراه با درج نمونه عکسی از نسخه خطی کتابخانه احمد سوم خواهیم آورد.

### در اهمیت مسأله نفس و روح

از دیرباز، پرسش بنیادین از کیستی و چیستی انسان، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نوع بشر بوده است و برای پاسخ به این پرسش، بزرگان اهل اندیشه و جریان‌های گوناگون فکری، هر یک نظام خاصی را سامان داده‌اند. در این میان یکی از نکات حائز اهمیت و چالش‌برانگیز (در مباحث مربوط به تعریف انسان)، مسأله نسبت میان واژگان نفس و روح است. واژگانی که عامه مردم معمولاً آنها را به راحتی به جای یکدیگر به کار می‌برند اما اصحاب

اندیشه، سعی در تدقیق در وجوه اشتراک و افتراق این الفاظ داشته‌اند و البته هر گروه و دسته‌ای با زبان خاص خود به تشریح و تبیین این امر پرداخته‌اند و لذا با وجود تلاش‌های ارزشمند آنان و غنی‌تر شدن دانش انسان نسبت به خود بر اثر این تلاش‌ها، اما باید گفت که مرز دقیقی به صورت نهایی میان این واژگان پدید نیامده است و مسأله زبان خاص و ترمینولوژی صنوف گوناگون متفکران از فلاسفه و عرفا و متکلمین و ... موجب شده است که ما شاهد نوعی تضاد در استعمال واژگان یاد شده باشیم. شاید ذکر توضیحات ملا عبدالرزاق کاشانی (متوفی به سال ۷۳۵ یا ۷۳۶ ه. ق) در دایرةالمعارف تخصصی خود یعنی کتاب «اصطلاحات الصوفیه» در مورد تعریف واژگان نفس و روح در این مقام بی‌مناسبت نباشد چرا که ما را به سمت درک روشن‌تری از مسأله، رهنمون می‌سازد. ملا عبدالرزاق، روح را چنین تعریف می‌کند:

«در اصطلاح عرفا عبارت است از لطیفه انسانی مجرد (غیر مادی)<sup>۱</sup> و در اصطلاح پزشکی عبارت است از بخار لطیفی که در قلب قابل قوه حیات و حس و حرکت پدید می‌آید، و این در اصطلاح اینان (عرفا)، نفس نامیده می‌شود و متوسط بین آن دو است؛ که ادراک‌کننده کلیات و جزئیات می‌باشد و حکما بین قلب و روح اول را فرق نمی‌گذارند و آن را نفس ناطقه می‌نامند.»

۱. هرگاه که فی‌مابین دو علامت نقل قول، یعنی به هنگام نقل قول مستقیم از منبعی دیگر؛ نیاز به ادای توضیح بوده است از علامت کروشه [ ] استفاده کرده‌ایم و مطالب درون آن از ماست ولی پراکنشها و مطالب درون آن، از آن نویسنده همان منبع است. در غیر این صورت در سرتاسر متن پیش رو (به استثناء ترجمه آیات قرآن)، همگی [ ] و ( ) از سوی این حقیر اضافه شده است. / زاهدی

(کاشانی: ۱۳۹۱، ۴۳)

در ادامه روح اعظم و اقدم و اول و آخر را عقل اول می‌داند و روح القاء را نیز چنین معرفی می‌کند: «القاء کننده علم غیوب به قلوب؛ و او جبرئیل علیه‌السلام است و گاهی بر قرآن اطلاق می‌شود. [با مثال از آیه ۱۵ سوره مؤمن: رفیع الدرجات ذوالعرش یُلْقِی الروح من امره علی من یشاء من عباده]» (همان)

پس تا اینجا دانسته شد که بنا به شهادت ملاعبدالرزاق کاشانی، حقیقت راستین و خویشتنِ خویش انسان‌ها در لسان عرفا، روح و در لسان حکما نفس ناطقه (یا روح اول یا قلب) نامیده شده است و همان واژه روح در اصطلاح پزشکی به حقیقتی مادی یعنی بخاری لطیف در بدن انسان دلالت دارد و همین مفهوم را عرفا نفس می‌نامند. سهروردی هم در «هیاکل النور» خود، به شیوه اهل فلسفه، حقیقت راستین انسانها را نفس می‌نامد و واژه روح را برای جسم لطیفی که به خلافت از نفس، متکفل امور بدن است به کار می‌برد. سهروردی در بخش نهم از هیکل دوم، روح حیوانی را مشتمل بر دو قوه شوقی (مدرکه) و جنباننده (محرکه) معرفی می‌کند که خود قوه شوقی شامل قوه شهوانی و قوه غضبی است و آن را (روح حیوانی را) واسطه تصرف نفس ناطقه در بدن می‌داند و می‌گوید مرادم نه آن روح است که در قرآن مجید مذکور است و مورد خطاب ارجعی الی ربک است. [قابل توجه است که در آیه فوق یعنی ۲۷ فجر ما نه با لفظ روح که با لفظ نفس مطمئنه رو به رو هستیم]. او پرسش مهمی را نیز که برخلاف تصور رایج مردمان است؛ مطرح می‌کند: تو چگونه نفس را که حقیقتی مجرد و فراتر از عالم ماده است؛ محصور در بدن

مادی می‌پنداری؟ و در هیكل ششم می‌گوید: «مردمی باطل نشود به بطلان تن، زیرا که تن محل وی نیست.» (سهروردی: ۱۳۵۵، جلد سوم، ۱۰۵) [البته قفس دانستن تن در اینجا نیز پابرجاست و خود شیخ اشراق به لفظ اسارت اشاره می‌کند اما معنای آن توجه داشتن به عالم ماده است نه قرار گرفتن در آن.]

حال نگاهی به تعریفی که در همان کتاب «اصطلاحات الصوفیه» از نفس شده است می‌اندازیم:

«نفس، عبارت است از جوهر بخاری لطیف که حامل نیروی حیات و حس و حرکت ارادی است که حکیم آن را روح حیوانی می‌نامد و آن واسطه بین قلب - یعنی نفس ناطقه - و بین بدن است...» (کاشانی: ۱۳۹۱، ۱۴۴)

سپس ناظر به اصطلاح حکما و فلاسفه از نفس (که مجرد و غیر مادی است) به تعریف نفس اماره، نفس لواحه و نفس مطمئنه که به ترتیب در آیه ۵۳ سوره یوسف، آیه ۲ سوره قیامت و آیه ۲۷ سوره فجر مطرح گردیده‌اند؛ می‌پردازد. در خصوص اولی می‌گوید: «نفسی است که تمایل به طبیعت بدنی دارد و فرمان به لذات و شهوات حسی می‌دهد و قلب را به سوی سفلیت و پستی می‌کشاند و آن جایگاه شر و بدی و کانون خواهی زشت و افعال بد است.» (همان، ۱۴۵) در خصوص نفس لواحه می‌گوید: «نفسی است که به نور قلب، تابناک و نورانی گشته است؛ نورانیت و تابناکیش به اندازه بیدار شدنش از خواب غفلت و بی‌خبری است... و در رفت و آمد بین دو جهت ربوبی و خلقی است...» (همان) و نفس مطمئنه را این چنین تعریف می‌کند: «نفسی است که تابناکی و

نورانیتش به نور قلب به اتمام رسیده به گونه‌ای که از صفات زشت خود بیرون آمده و ... به کلی به سوی قلب روی آورده...» (همان)<sup>۱</sup>

شایان توجه است که واژه نفس نزدیک به سیصد بار (۲۶۸ بار) در قرآن استفاده شده که البته در بسیاری موارد، نه به معنای مورد نظر این تحقیق بلکه به عنوان یک ضمیر انعکاسی به کار رفته است. (چیتیک: ۱۳۸۹، ۱۰۰)<sup>۲</sup>

قلب نیز در جملات ذکر شده، معنایی کاملاً مجرد داشته و غیر از تعبیر قلب در جایی است که واژگان روح بخاری و قلب در کنار یکدیگر به کار می‌روند. همچنین باید اشاره کرد که عرفا به بطون هفت‌گانه‌ای به نام‌های: «نفس»، «قلب»، «عقل»، «روح»، «سر»، «خفی» و «اخفی» در وجود انسان باور دارند و گاهی اوقات واژگان نفس و روح در آن نظام معنایی به کار می‌روند. برخی نیز بطون هفت‌گانه را این‌چنین معرفی نموده‌اند: «طبع»،

۱ - باید توجه داشت که نفس را بسیط دانسته‌اند و نه مرکب. پس چگونه است که سخن از نفس‌های اماره و لوازمه و مطمئنه می‌رود؟ به نظر می‌رسد پاسخ صحیح و دقیق این باشد که اینها مراتب نفس‌اند و نه اجزای نفس. نفسی که با مرگ دنیوی فنا نخواهد پذیرفت و این امر به واسطه بساطت آن است و دوری از ترکیب.

۲. چیتیک در این کتاب، یعنی کتاب درآمدی بر عرفان و تصوف اسلامی نشان می‌دهد که با مبانی صوفیه در نهایت باید گفت که نفس انسان در واقع همان نفس رحمان است که آن به آن، دمیده می‌شود.

این حقیر، یعنی راقم این سطور هم خاطر نشان می‌سازم که واژه روح نیز در معنای بسیار قدیم آن در زبان عربی به معنای باد(ریح)، رایحه و نفس است.

برای مطالعه بیشتر بنگرید به:

E.J.Brill: 1993, vol 6, 867; First Encyclopaedia of Islam 1913-1936,  
Editor: Sir Thomas W.Arnold

«نفس»، «قلب»، «روح»، «سر»، «خفی»، «اخفی». (برای مطالعه در باب این مقامات هفت‌گانه نگاه کنید به حسن‌زاده آملی: ۱۳۷۸، ۵۶ و میرصادقی: ۱۳۹۱)

همچنین در زمینه تفکر قدما در رابطه با مساله نفس و روح، شعری از باباافضل کاشانی، عارف و حکیم و شاعر سده هفتم هجری، که درباره مساله نفس بسیار اندیشیده بود و مترجم «رساله نفس ارسطاطالیس» از عربی به فارسی بوده است<sup>۱</sup>؛ در این زمینه جالب توجه است. وی در این شعر از سه روح سخن می‌گوید. (احتمالاً: روح نباتی، روح حیوانی و روح انسانی):

ده بار از این نه فلک و هشت بهشت

هفت اخترم از شش جهت این نامه نوشت

کز پنج حواس و چار ارکان و سه روح

ایزد به دو گیتی چو تو یک بت نسرشت

در مورد مساله اختلاف واژگان نفس و روح و تعریف دقیق هریک از آنها، منابع زیر در کنار کتاب‌هایی نظیر «در باره نفس»<sup>۲</sup> ارسطو از منابعی هستند که می‌توان در آنها مساله را پی‌گرفت:

- ابن طفیل. ۱۳۸۱. زنده بیدار (حی بن یقظان). بدیع‌الزمان فروزانفر. تهران. انتشارات علمی و فرهنگی: که به دلیلی که در بخش چهارم خواهیم

۱. که در اصل از ارسطو نیست و منسوب به اسحاق بن حنین است. (زریاب: ۱۳۷۵، ۱۳ - عباس زریاب در مدخل باباافضل کاشی در جلد اول دانشنامه جهان اسلام به نقل از مجتبی مینوی در حواشی و تعلیقاتش بر رساله نفس در جلد دوم مصنفات افضل الدین محمدمرقی کاشانی که به اهتمام مجتبی مینوی و یحیی مهدوی در سال ۱۳۳۷ توسط دانشگاه تهران منتشر شده؛ به بحث انتساب این رساله به اسحاق بن حنین پرداخته است).

۲. ارسطو. ۱۳۹۳. درباره نفس. علی مراد داودی. تهران. حکمت

گفت در تصحیح مجدد کتاب الفرق بین الروح و النفس (نسبت به تصحیح ۱۹۵۳ در ترکیه) برای ما بسیار مؤثر واقع شد.

- کتاب النفس ابن سینا که جزئی از طبیعیات شفاست: ابن سینا، حسین بن عبدالله. ۱۳۷۵. النفس من کتاب الشفاء. تحقیق: حسن حسن زاده آملی. قم. مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.

- ملاصدرا. ۱۳۹۱. ترجمه و متن عرشیه. محمد خواجوی. تهران. مولی.

- ملاصدرا. ۱۳۹۱. ترجمه و متن رساله الحشر یا کتاب رستاخیز جان.

محمد خواجوی. تهران. مولی.

- ملاصدرا. ۱۳۸۳. الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة. جلد

چهارم. تصحیح و تحقیق مقصود محمدی با اشراف محمد خامنه‌ای. تهران. بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

- ملاصدرا. ۱۳۸۰. المبدأ و المعاد. قم. مرکز انتشارات دفتر تبلیغات

اسلامی.

- انصاری شیرازی، یحیی. ۱۳۸۷. دروس شرح منظومه جلد چهارم. قم.

بوستان کتاب قم.

- کتاب رابطه نفس و بدن از نظر ملاصدرا. پهلوانیان، احمد. ۱۳۹۳. رابطه

نفس و بدن از نظر ملاصدرا. قم. بوستان کتاب قم.

- حسینی طهرانی، سید محمد حسین (علامه). ۱۴۲۵. ه. ق. معادشناسی.

جلد ۸. مشهد. انتشارات علامه طباطبائی (به ویژه بحث: سفرهای نفس در

مراحل کمال در مجلس پنجاه و دوم صص ۸۵-۴۲)

- نصر، سید حسین. ۱۳۷۷. نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت. تهران.

- انتشارات خوارزمی (بحث: عقل، نفس کلی و ماده در فلسفه اخوان الصفا).
- مدکور، ابراهیم. ۱۳۸۷. درباره فلسفه اسلامی، روش و تطبیق آن. عبدالمحمد آیتی. تهران. موسسه انتشارات نگاه (به ویژه فصل چهارم).
- داودی، علی مراد. ۱۳۸۹. عقل در حکمت مشاء از ارسطو تا ابن سینا. تهران. موسسه انتشارات حکمت (به ویژه ۸۱-۲۳ و ۴۱۵-۲۶۳).
- چیتیک، ویلیام. ۱۳۸۹. درآمدی بر عرفان و تصوف اسلامی. جلیل پروین. تهران. موسسه انتشارات حکمت (بخش نفس انسانی از فصل چهارم که به کاربرد واژگان نفس و روح در قرآن اشاره دارد).
- حسن زاده آملی، حسن. ۱۳۹۲. دروس معرفت نفس. قم. انتشارات الف. لام. میم.
- حسن زاده آملی، حسن. ۱۳۸۱ (۱۴۲۳ ه. ق). الحجج البالغة علی تجرد النفس الناطقة. قم. بوستان کتاب قم (که اتفاقا در باب اول آن به قسطا نیز اشاره کرده اند).
- فلوطین. ۱۳۸۸. اثولوجیا. حسن ملکشاهی. تهران. انتشارات سروش (به ویژه میمر اول آن).
- سجادی، سیدجعفر. ۱۳۷۹. فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا. تهران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- خامنه‌ای، سیدمحمد. ۱۳۸۴. روح و نفس. تهران. بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- تبعه ایزدی، مختار. ۱۳۸۰. بررسی و تطبیق روح و نفس در فلسفه و عرفان (پایان نامه در مقطع دکتری فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و

تحقیقات). استاد راهنما: غلامرضا اعوانی. استاد مشاور: احمد بهشتی.  
- رازی، فخرالدین محمد (امام فخر رازی). بی تا. النفس و الروح و شرح  
قواهما، تحقیق: محمد صغیر حسن معصومی. اسلام آباد (پاکستان). معهد  
الابحاث الاسلامیه.

- وائلی، عبدالجبار. ۱۹۹۴. العقل و النفس و الروح. بیروت. دارالنضال.  
- خامنه‌ای، سید محمد. ۱۳۷۱. مسئله روح و نفس و دیدگاه شیخ مفید.  
مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید. شماره ۹۰. قم. کنگره جهانی هزاره شیخ  
مفید (ره).

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین. ۱۳۷۱. نفس و روح در نظر شیخ مفید.  
مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید. شماره ۱. قم. کنگره جهانی هزاره شیخ  
مفید (ره).

- پرهیزگار، غلامرضا. ۱۳۸۹. وحدت یا دوگانگی نفس و روح از منظر  
اسلام. فصلنامه نقد و نظر. شماره ۶۰. زمستان ۸۹.

- العاملی، زین الدین علی بن یونس البیاضی النباطی. ۱۳۸۹ (۱۴۳۱ هـ).  
ق. الباب المفتوح الی ما قیل فی النفس و الروح. قم. مکتبه العلامة  
المجلسی.

- صبح، محسن احمد. ۱۴۲۰ هـ. ق. الروح بین الدین و الفلسفة. بیروت.  
موسسه الاعلمی للمطبوعات.

- ابن قیم الجوزیه. ۱۳۹۵ هـ. ق (۱۹۷۵). کتاب الروح فی الکلام علی أرواح  
الأموات والأحیاء بالدلائل من الکتاب والسنة. بیروت. دارالکتب العلمیه.  
- قصیده عینیة ابن سینا: که در آن ابن سینا با زبان نمادین روح را همچون

کبوتری هبوط کرده به زندان بدن می‌داند. متن آن به‌مراه ترجمه و شرح حاج ملاهادی سبزواری در باب چهارم اسرارالحکم منتشر شده است: سبزواری، هادی بن محمد. ۱۳۸۳. اسرارالحکم فی المفتتح والمختتم. تهران. مطبوعات دینی.

- نسخه خطی کتاب الفرق بین العقل والنفس والروح از شیخ احمد بن زین العابدین احسائی، کتابت شده در صفر ۱۲۲۴ ه. ق، موجود در کتابخانه مجمع ذخائر اسلامی (کدنا) قم.

- دو رساله مختصر کندی درباره نفس که ترجمه آن در مجموعه رسائل وی با مشخصات زیر موجود است: کندی، ابویوسف یعقوب بن اسحاق. ۱۳۸۷. مجموعه رسائل فلسفی کندی. تهران. انتشارات علمی و فرهنگی (صص ۱۵۹-۱۴۹)

- رازی، محمد بن زکریا. ۱۳۸۶. الطب الروحانی. تهران. مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران. دژنشگاه مکیل: که در آن زکریای رازی از منظر علم اخلاق به موضوع رذایل نفسانی و راه درمان آن‌ها پرداخته است.

## و در قرآن کریم

پیرامون واژه روح در قرآن کریم می‌توان دسته‌بندی زیر را ارائه داد:  
الف - در نه آیه روح به معنای جبرئیل یا ملکی مقرب<sup>۱</sup> آمده است: (در

۱. در خصوص ملک مقرب یا آفریده‌ای بزرگتر از جبرئیل توجه به این حدیث حائز اهمیت است: روزی از امام صادق علیه السلام پرسیدند: اگر از شما مسأله‌ای بپرسند و شما پاسخش را ندانید چه می‌کنید؟

امام صادق علیه السلام فرمود: «روح القدس پاسخش را به ما القا می‌کند.»  
و نیز از امام صادق معنای این آیه را پرسیدند - و کذلک اوحینا الیک روحا من امرنا - سوره شوری، آیه ۵۲. امام فرمود: «روح آفریده‌ای است که به خدا قسم از جبرئیل و میکائیل بزرگتر

چهار آیه اول با واژه روح القدس و در ششمین آیه یعنی ۱۹۳ شعراء با واژه روح الامین مواجه هستیم.<sup>۱</sup>

۱. وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَفَقَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ سورة البقرة / ۸۷

و همانا به موسی کتاب [تورات] را دادیم، و پس از او پیامبرانی را پشت سر هم فرستادیم، و عیسی پسر مریم را معجزه‌های آشکار بخشیدیم، و او را با روح القدس تأیید کردیم پس چرا هر گاه پیامبری چیزی را که خوشایند شما نبود برایتان آورد، کبر ورزیدید؟ گروهی را دروغگو خواندید و گروهی را کشتید.

۲. تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ

است. او همراه رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم بوده و به او از عوالم مختلف خبر می‌داده و او را تأیید و تصدیق می‌کرده است. و اکنون همان روح با ائمه اطهار است و به آنها خبر می‌دهد و آنها را تأیید و تصدیق می‌کند... روح القدس نه می‌خواهد، نه غافل می‌شود و نه سرگرم می‌شود و نه اشتباه می‌کند. امامان به وسیله روح القدس، شرق و غرب زمین، و خشکی و دریاها را می‌بینند و از همه چیز، از عرش تا زیر زمین، باخبر می‌شوند.» (بحار الانوار، ج ۲۵، باب ۳، ص ۴۷ تا ۹۹. به نقل از دانشنامه رشد؛ مدخل تأیید ائمه به روح القدس) البته باید توجه داشت که انسان کامل کون جامع است و آنچنان که در عرفان نظری و حکمت متعالیه مفصلاً توضیح داده شده است انسان کامل بر همه مراتب ناسوتی و ملکوتی و جبروتی و... احاطه دارد پس روح القدس نیز ذیل وجود پیامبر یا امام یا انسان کامل معنا می‌یابد.

۱. توضیح واضح‌تر است که معنای حقیقی آیات قرآن را تنها «ماخوطف به» یعنی جان تابناک پیامبر اعظم (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) که مصداق اتم و اکمل الراسخون فی العلم هستند درمی‌یابند و آنچه که به عنوان دسته‌بندی آیات قرآن با توجه به معنای آن‌ها ارائه می‌شود تنها گمانی است نسبت به دریای بی پایان معارف قرآن کریم.

وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ سورة البقرة / ۲۵۳

برخی از آن پیامبران را بر برخی دیگر برتری بخشیدیم. از آنان کسی بود که خدا با او سخن گفت و درجات بعضی از آنان را بالا برد و به عیسی پسر مریم دلایل آشکار دادیم، و او را به وسیله روح القدس تأیید کردیم و اگر خدا می‌خواست، کسانی که پس از آنان بودند، بعد از آن [همه] دلایل روشن که برایشان آمد، به کشتار یکدیگر نمی‌پرداختند، ولی با هم اختلاف کردند پس، بعضی از آنان کسانی بودند که ایمان آوردند، و بعضی از آنان کسانی بودند که کفر ورزیدند و اگر خدا می‌خواست با یکدیگر جنگ نمی‌کردند، ولی خداوند آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد.

۳. إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ سورة المائدة / ۱۱۰

[یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود: ای عیسی پسر مریم، نعمت مرا بر خود و بر مادرت به یاد آور، آن گاه که تو را به روح القدس تأیید کردم که در گهواره [به اعجاز] و در میان سالی [به وحی] با مردم سخن گفتی و آن گاه که تو را کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم و آن گاه که به اذن من، از گِل، [چیزی] به شکل پرنده می‌ساختی، پس در آن می‌دمیدی، و به اذن من پرنده‌ای می‌شد، و کور مادرزاد و پیس را به اذن من شفا می‌دادی و آن گاه که

مردگان را به اذن من [زنده از قبر] بیرون می‌آوردی و آن‌گاه که [آسیب] بنی اسرائیل را - هنگامی که برای آنان حجت‌های آشکار آورده بودی - از تو باز داشتیم. پس کسانی از آنان که کافر شده بودند گفتند: این [ها چیزی] جز افسونی آشکار نیست.

۴. قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى  
لِلْمُسْلِمِينَ سورة النحل / ۱۰۲

بگو: آن را روح القدس از طرف پروردگارت به حق فرود آورده، تا کسانی را که ایمان آورده‌اند استوار گرداند، و برای مسلمانان هدایت و بشارتی است.  
۵. فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَاباً فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا  
سورة مریم / ۱۷

و میان خود و آنها پرده‌ای افکند [تا خلوتگاه عبادتش باشد] پس روح خود را به سوی او فرستادیم پس به شکل بشری خوش اندام بر او نمایان شد.  
۶. نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ سورة الشعراء / ۱۹۳

روح الامین آن را فرود آورده  
۷. تَعْرِجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ سورة  
المعارج / ۴

فرشتگان و روح، در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است به سوی «او» بالا می‌روند.

۸. يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا تَنْزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سورة النبأ / ۳۸  
روزی که روح و فرشتگان به صف می‌ایستند، و کس سخن نمی‌گوید مگر

آنکه خدای رحمان به او رخصت دهد و او سخن به صواب گوید.

۹. تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سورة القدر / ۴

فرشتگان و روح - جبرئیل یا فرشته همراه وحی - در آن شب به فرمان پروردگارش از برای هر کاری - که خدای حکم کرده باشد - فرو می‌آیند.

ب - در سه آیه، واژه روح به معنای وحی و نبوت گرفته شده است:

۱. يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا

إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ سورة النحل / ۲

فرشتگان را به فرمان خود با روح (با وحی و قرآن) بر هر کس از بندگان که بخواهد فرو می‌فرستد که هشدار دهید که معبودی جز من نیست، پس از من پروا کنید. [جلال‌الدین مجتبی‌ی در اینجا روح را به معنای فرشته بزرگوار همراه با وحی ترجمه کرده است. ترجمه پیشین از آیت الله مشکینی بود.]

۲. رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ سورة غافر (مؤمن) / ۱۵

بلندکننده پایه‌ها - یا دارای پایه‌های بلند - است، خداوند عرش که از فرمان خویش بر هر یک از بندگان که بخواهد روح - وحی یا فرشته وحی - را می‌افکند - القاء می‌کند - تا [مردم را] از روز دیدار - روز رستاخیز - بترساند.

۳. وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا

الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ سورة الشوری / ۱۵۲

۱. البته دیدیم که در حدیث منسوب به امام صادق (ع) در باب سوم از جلد ۲۵ بحارالانوار،

و همچنین از فرمان خویش روحی - قرآن - را به تو وحی کردیم. تو نمی‌دانستی که کتاب و ایمان چیست و لیکن ما آن را نوری ساختیم که بدان هر که را از بندگان خویش بخواهیم راه نماییم و هر آینه تو به راهی راست راه می‌نمایی

ج - در یک آیه بسیار مهم در رابطه با معنای واژه روح، روح به عنوان امر خاص الهی معرفی می‌شود:

۱. وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا سورة الإسراء / ۸۵

و تو را از روح پرسند، بگو: روح از فرمان پروردگار من است، و شما را از دانش جز اندکی نداده‌اند.

د - در یک آیه، روح به معنای ایمان یا هدایت یا حکمت در نظر گرفته شده است:

۱. لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ سورة المجادلة / ۲۲

مردمی را نیابی که به خدای و روز واپسین ایمان آورند در حالی که با

حضرت امام صادق (ع) در تفسیر این آیه نیز از واژه روح القدس استفاده می‌کنند.

کسانی که با خدای و پیامبرش دشمنی و مخالفت کرده‌اند دوستی ندارند اگر چه پدران یا پسران یا برادران یا خویشان‌شان باشند، اینانند که [خداوند] ایمان را در دل‌هایشان نوشته - پایدار ساخته - است و ایشان را به روحی از نزد خویش نیرومند گردانیده و به بهشت‌هایی درآورد که از زیر آنها جوی‌ها روان است، در آنجا جاویدانند خدا از آنها خشنود است و ایشان از خدا خشنودند. ایشانند گروه خدا. آگاه باشید که گروه خدا رستگارانند.

ه - در یک آیه روح به عنوان صفتی برای حضرت عیسی (ع) آمده است. در این جا با عبارت «روح منه» مواجه هستیم:

۱. يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا سورة النساء / ۱۷۱

ای اهل کتاب، در دین خود از اندازه فراتر مروید و بر خدا جز راست مگویید، همانا مسیح عیسی پسر مریم پیامبر خدا و کلمه اوست که آن را به سوی مریم افکند و روحی است از او، پس به خدا و فرستادگان او ایمان آورید و مگویید [خدا] سه است - اب، ابن، روح القدس - [از این گفته] باز ایستید که برای شما بهتر است. جز این نیست که «الله» خدایی یکتاست، پاک و منزّه است از اینکه او را فرزندی باشد، او راست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، و خدا کارسازی بسنده است.

ز - در پنج آیه بسیار مهم سخن از دمیده شدن روح الهی در انسان است. آیات چهارم و پنجم در خصوص ولادت حضرت عیسی (ع) است و در این دو آیه روح به معنای جبرئیل یا ملک مقرب نیز فهمیده شده است:

۱. ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ سورة السجدة / ۹

آن‌گاه او را درست‌اندام کرد، و از روح خویش در او دمید، و برای شما گوش و دیدگان و دلها قرار داد چه اندک سپاس می‌گزارید.

۲. فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ سورة الحجر / ۲۹  
پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم، پیش او به سجده درافتید.

۳. فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ سورة ص / ۷۲  
پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم، پیش او به سجده درافتید.

۴. وَالَّتِي أَحْصَتْ فَرَجَهَا فَنفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ سورة الأنبياء / ۹۱

و آن [زن را یاد کن] که خود را پاکدامن نگاه داشت، و از روح خویش در او دمیدیم و او و پسرش را برای جهانیان آیتی قرار دادیم.

۵. وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَتْ فَرَجَهَا فَنفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقْتُ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَوَانِينِ سورة التحريم / ۱۲

و مریم دختِ عمران را، همان کسی که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدیم و سخنان پروردگار خود و کتابهای او را تصدیق کرد و از